

سیاه‌پوشان

جستاری درباره‌ی رمزپردازی
نظامی گنج‌های و گنبد اول هفت پیکر

غلامرضا خوش‌اقبال

۱۳۹۱

نشر نگره

سرشناسه	: خوش اقبال، غلامرضا، ۱۳۵۵ -
عنوان قراردادی	: هفت پیکر، شرح.
عنوان و پدیدآور	: سیاه پوشان: جستاری درباره‌ی رمزپردازی نظامی گنجه‌ای و گنبد اول هفت پیکر / غلامرضا خوش اقبال.
مشخصات نشر	: شیراز، نگره ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: 978-600-92912-6-7 : ۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. - نقد و تفسیر
موضوع	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. - هفت پیکر - نقد و تفسیر.
موضوع	: سمبولیسم (ادبیات).
شناسه افزوده	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۳۰ - ۴۶۱۴ ق. - هفت پیکر - شرح.
رده‌بندی کنگره	: ۹۱۳۹۱ ص ۹ / PIR ۵۱۳۵
رده‌بندی دیویی	: ۲۳ / ۸ قا ۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۰۴۴۱۴

سیاه پوشان

جستاری درباره‌ی رمزپردازی نظامی گنجه‌ای و گنبد اول هفت پیکر

غلامرضا خوش اقبال

چاپ اول / ۱۳۹۱ / ۳۰۰۰ جلد / چاپ صحیح امروز

لینوگرافی: پردیس / صحافی: ابلافا / صفحه‌آرا: نسیه اعتماد

طرح جلد: زهرا خوش اقبال / شابک: ۶-۷-۹۲۹۱۴-۶۰۰-۹۷۸ / ۲۰۰۰ تومان



حق چاپ برای ناشر و نویسنده محفوظ است.

دفتر شیراز: هدایت غربی، کوچه ۷، پلاک ۲۲۸، تلفن: ۲۳۵۸۴۴۱-۰۷۱۱

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۵	وضع ادبی ایران از میانه قبل پنجم تا اوایل قرن هفتم هجری
۲۵	نظامی داستانسرایی بی همتا
۳۳	زندگینامه
۳۹	آثار نظامی
۴۱	هفت پیکر (بهرامنامه) (هفت گنبد)
۴۷	رمز و رمز پردازی در هفت پیکر نظامی
۵۵	نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه، داستان شهر سیاهپوشان
۶۷	اما سیاهی

مقدمه

از دوران‌های گذشته تا به امروز داستان‌ها و روایت‌ها آرام بخش دل‌های پرتشویش مردم زمانه‌ی خود بوده است. این داستان‌ها پر بود از رمزها و رازهایی که در پیشینه‌های تاریخی همه‌ی اقوام بشر دیشه داشته است. و حتی از گذشته‌های دور و در دوران غارنشینی‌های اعصار تاریخ هویدا و میرهن است. بزرگ‌ترین فکر برای انسان در طول تاریخ جدال با نیروهای خیر و شر در زندگی و پیروزی بر آنچه در ژرفنای فکر و اندیشه‌اش می‌گذشته، بوده است. این تفکر واندیشه او را بر آن می‌داشت تا در درون خود نیروهایی را در جدال با زندگی سخت و دشوار، مهیا و آماده سازد تا پیروز میدان شود. و این راه یافتن فرد از متن و رویه سخت زندگی به باطن و حقیقت آن، باعث شد تا از جهان محسوسات پا را فراتر گذاشته و خود را آماده و مجاز برای ورود به عالم باطن و حقیقی کند. و آلت کسب این مرتبه عقل و حواس است و برای همگان نیز میسر نخواهد بود. این

امر محتاج فراهم آمدن بسترهای مناسب و درک زمینه‌ای و داشتن حال و هوای روحی و جسمی خاص است. ادیبان و بزرگان هر قوم و یا قبیله‌ای همیشه در تلاش برای دریافت دنیای ماوراء طبیعت بوده‌اند و افرادی را برای این منظور تربیت یافته یا نیافته در قبیله برای چنین ارتباطاتی می‌آفریدند. این چنین افراد از هر دست افرادی واقعاً متمایز و ویژه بودن. داستان‌هایی برای انتاب خود و کارهای خارق عادت خود یا از گذشتگان به یاد داشتند و یا خود می‌ساختند که پیام‌آور و بیانگر ویژگی خاص آن‌ها محسوب می‌شد. داستان‌هایی که نماد موفقیت‌ها، پیروزی‌ها و در کل نماد افتخار قبیله و قوم خود آن هم به واسطه‌ی خود فرد، بود. این روایات و داستان‌ها ذهن به ذهن نقل می‌شد و در پس زمینه‌ی آداب و سنن و در نهایت ذهن افراد این قبیله یا گروه نقش می‌بست و بزرگان و هنرمندانی کوشیده‌اند تا این داستان‌ها را که سینه به سینه نقل شده تحریف شده یا نشده، حفظ و نگهداری کنند، یا حکمانه روند این گونه داستان‌ها را بسازند و محتوای آن‌ها را آن گونه بیان دارند که از قالب داستان‌ها، روایات و یا گفتارهای ساده و معمول فراتر رفته و در اعماق وجود انسان‌ها رخنه کرده و جاودان بماند. جاودانگی اولین رمز بود و چه خوب می‌توانستند این رمز را حفظ و نگهداری کنند. با گذشت زمان و پیدایش خرده فرهنگ‌های مختلف و آگاهی بیش‌تر مردم و حضور راریان و مذاهبی که آن هم دورنمای ذهن بشر را به دنیای ماورایی می‌کشانید، تلاش این افراد برای محکم‌تر شدن دلیل‌ها، حجت‌ها و رمزها بیش‌تر و بیش‌تر شد. گاه برای هویت بخشی بیش‌تر به این داستان‌ها مجبور

می‌شدند تا داستان‌ها را به ادیان متصل کرده و بدانها جاودانگی بیش‌تری بخشند. در واقع مسیر هر دو برای دوام یکی بود ادیات، فرق‌ها و مذاهب در کنار آن‌ها داستان‌های رمزگونه که گاه از اسطوره‌های ملت‌ها نشأت گرفته بودند در هم آمیخته شدند. هرف یکی بود آن هم شناخت. و این سیر به جلو برای شناخت بیش‌تر انسان از انسان بود. گاه رمزها، تمثیل‌ها و تشبیه‌هایی این سیر را راحت‌تر می‌نمود اما به واقع ورود به عالم باطن و حقیقت درونی انسان برای خودشناسی راهی بود که با همه‌ی سختی‌ها و مشقت‌ها همه و همه در تلاش به دست آوردنش بودند. ادیبان و بزرگان معرفت راه‌هایی را برای رسیدن به این مهم در داستان‌ها و حکایات معنوی روشن نمودند و در واقع برای دوام و ماندگاری بیش‌تر سازندگان اولیه مسیرهای پر رمز و راز از زندگی بشری شدند. زمانی نه چندان گذشت که متوجه شدند آنچنان این سازندگی، زیبا و به جا اتفاق افتاده است که جای هیچ تردیدی نیست. در ادبیات شنیداری دنیا و حتی ایران ما بهترین راه ارتباط با یکدیگر، در اجتماع‌های کوچکی مانند خانواده روایت‌ها و داستان‌ها نقش بسزایی داشت و آنچنان تأثیر گذار بود که این روایت‌ها از خانه‌ها بیرون آمده و تا سرزمین‌های دوردست و پهنای ایران زمین، سبزی خود را گسترده. تا آن‌جا که شاه‌نامه‌ها و رزمناامه‌ها و عشق‌نامه‌هایی به زیبایی هر چه تمام‌تر ساخته شد تا باعث حرکت‌های عظیم در مردم زمانه خود باشد. یک چیز را نباید نادیده گرفت و آن هم عنصر زمان بود. با توجه به دوره‌های مختلف ادبی داستان‌ها متفاوت شد. رمزها تغییر یافت، قدرت خلاقه‌ی مردم رو به رشدتر شده بود دیگر نمی‌شد

مردم را به راحتی قانع کرد. دلیل یا حکمی نیاز داشت و یا پشتوانه‌ای غنی. در همین راستا به جز تعداد محدودی از حماسه‌های ملی و اسطوره‌ای و در هر دوران شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در تغییر داستان‌ها نقش داشت. این زیبایی در تمام سال‌ها باقی ماند و آنگونه با گذشت زمان بر تعالی رسید، رشد کرد و در دل مردم جای گرفت. مردم با واقعیت‌های عینی در مورد داستان‌ها بحث می‌کردند و یا آن‌ها را برای رشد و تعالی فرزندان به روایت می‌کشیدند. مردم زیباپرست ایران نیز همانند همه‌ی مردم دنیا با این داستان‌ها عجین شدند، خو گرفتند، و ارتباط برقرار کردند. داستان‌هایی که از جنس خودشان بود، همراهشان بود، در غم‌ها و شادیهاییان جایگاه داشت. اما زمان‌ها که می‌گذشت ارزش ادبی داستان‌ها تغییر می‌یافت. اما با گذشت زمان ارزش داستان‌ها نیز روز افزون‌تر شد. تا جایی که زیباترین داستان‌ها از تمام ارزش‌های زمان خود بهره می‌جستند تا بتوانند داستان خود را جذاب نشان دهند. مردم دیگر داستان‌ها را برای سرگرمی گوش نمی‌دادند. وقت نداشتند جوامع متحول شده بود تاریخ ورق می‌خورد و نگاره‌هایی را بر تن خود می‌نگاشت که در آن خود رمزا و قصه‌ها بود رنگین‌تر، جدیدتر و همدی آن‌ها افزوده می‌شد به چنین افکاری و چنین مردم که تجارب را ینده بودند و لمس کرده بودند. پس چاره‌جویان می‌بایست راهی می‌یافتند جدید می‌بایست از اسطوره‌های خیالی گرفته تا رمزهای جادوگری و ستاره‌شناسی و از این قبیل داستان‌ها استفاده می‌کردند تا انسان خاکی را بر افلاک قرار دهند و وارد دنیایی کنند که با دنیای روزمره متفاوت و انگیزه‌گونه‌تر باشد

این برانگیختگی را مراتب انسانی پاسخگو بود. مراتبی که به انسان شناسی و در پی آن به خدا شناسی نزدیک می‌شد. انسانی که در جهان پرهیاهوی پر رمز و راز در نهایت تلاش و کار و کوشش است برای رسیدن به اولین نیازهای زندگی، همیشه دنبال مسیری کوتاه برای رسیدن خواهد گشت و می‌داند که حقیقت در دنیایی فراتر از دنیای مادی اوست. پس داستان‌ها گاه راه و راههای معرفتی بودند برای ما انسان‌های خطاکار.

راه یافتن از ظاهر متن رمزی به باطن و حقیقت آن به منزله‌ی خروج از جهان محسوس و مجاور و ورود به عالم باطن و حقیقت است. اما همه آن‌ها عامل زیبایی همه‌ی داستان‌ها نمی‌بود. و آن‌ها نمی‌توانستند آنچه را که باید به نتیجه برسانند. از طریق علم اکتسابی و آلت کسب آن عقل و حواس است و برای همگان مسیر نیست را به ظهور و عینیت نزدیک کنند. قطع به یقین محتاج فراهم آمدن زمینه و حال و هوای روحی ویژه‌ای است.

در ایران پر رمز و رازها جریان‌های متعددی در حوزه‌ی اسطوره و رمز پردازی همیشه وجود داشته‌ است و بوده‌اند کسانی که این حکایات را در قالب‌های مختلف بیان کرده‌اند تا بتوانند خود و آثار خود را جاودانه سازند. ایرای که از اولین شکل‌های دولت‌های بزرگ وجود داشته دارای هویت‌های ملی، اسطوره‌ای فراوانی بوده و هست. در این مسیر روشن ادیبان و بزرگانی وجود داشته‌اند که حامیان پایدار و محکم حکایات و داستان‌های حکمی و معرفتی‌اند.

از قرن دوم هجری به بعد که مبنای عرفان و تصوف در ایران قوت گرفت این داستان‌ها و رمزها به سوی معرفت انسانی و الهی بیش‌تر و بیش‌تر شد و از سمت و سوی اسطوره‌های ملی فاصله گرفت. در این دوره‌ها حکمت‌ها و رمزها قوت و تنوع بیش‌تری یافت. شعرا و نویسندگان به خصوص کسانی که پا در عرصه‌ی حکمت الهی گذاشته بودند فرزندان امین و سازندگان این نظام هدفمند بودند و این راه تا قرن‌های بعد ادامه داشت.

یکی از این فرزندان زیبایی پرست نظامی بود. نظامی نظام مند که این زیبایی نظام درون خود را با مهارت وارد اشعار و داستان‌های زیبای خود کرده بود. آن پسر حقیقت‌بین که در جستجوی ناکجاآباد و در خلوت‌های پر رمز و رازش همیشه قصه پرداز اصیل داستان‌هاست و آن قدر زیباست که در تمام دوران‌های ادبی پس از آن شاید بتوان گفت زیباترین داستان‌ها را نظامی در قالب نظم بوجود آورده است. اما متفاوت. تفاوت از آن جهت که زبان مادری او فارسی نبود اما شیوایی زبان فارسی را با ترکی می‌آمیخت و شیرینی و حلاوتی تازه بر زبان فارسی می‌نشانند و موسیقی و شعر و قصه را به ظهور می‌رساند. شاید بتوان گفت داستان‌های او نیز پیشینه‌ای غیر ایرانی هم داشته است. وجود کلماتی دشوار و گاه غیر ایرانی و همچنین داستان‌هایی با تخیل عمیق فکری و فلسفی برگرفته از روحی بلند بود که بلندای آن سراسر وجود علاقمندان ادبیات را می‌پوشاند. در هر حال شناختن و تحلیل نظامی از زبان و فکر قاصر بنده کم‌ترین خارج است. آنچه ماناست زیبایی داستان‌های اوست که در افق زبان فارسی همیشه درخشان و تابناک است. و شاید بتوان گفت هر

داستان از هر کدام از کتاب‌های او سرشار است از فضاهای سورئالیست ادبی که می‌تواند زمینه ساز تفکر انسان سازی در همه‌ی دوره‌ها باشد. امید است این حقیر توانسته باشد با زبان قاصر گوشه‌ای از دین خود را نسبت به ادبیات این مرز و بوم ادا نمایم.

غلامرضا خوش اقبال
شیراز اسفند ۱۳۸۸